

ریاء و نقش آن در جامعه

در شماره ۴ سال سوم این مجله مطالبی درباره اعمال و رفتار مسلمانان کنونی از نظر خوانندگان محترم گذشت و در آنجا بنحو اجمال اشاره شد که روش و افعال مسلمانان بتدریج از هدف اصلی شارع مقدس اسلام منحرف شده است و بهیچوجه قابل انطباق با دستورات دیانت مقدسه اسلام نیست.

شاید در میان خوانندگان این مجله اشخاصی باشند که بحکم فطرت باک اسلامی خود مندرجات این مجله را مورد بررسی قرار داده و مایلند در اطراف این موضوع تحقیقات بیشتری داشته باشند، برای این منظور بایستی تأمل بیشتری در پیرامون احکام و دستورات مذهبی نموده و فهمید که آنچه محور اساسی دین وهسته مرکزی تعلیمات اخلاقی قرآن مجید است کدام است؟ و کجاست که مسلمانها از این محور دور افتاده و بیراهه رفته اند؟

شکی نیست که آداب و سننی در اسلام هست که گاهی بعنوان «دو خوب» و گاهی بعنوان «مستحب» و زمانی بنام «مکارم اخلاق» و رسیدن بر انتب کامله ایمان بیان شده و تنها جنبه تبعید (بدون چون و چرا) نداشته و غرض اصلی از اجرای آن رفتن بهشت نیست. گرچه بعضی از نویسندگان و گویندگان توانای ما اصرار دارند که نبایستی روی مصالح دنیوی احکام تکیه کرد بلکه بایستی نتایج اخروی آنرا در نظر گرفت ولی این نظریه تا آن حد قابل قبول است که کسی بخواهد مصالح همه احکام را باتکاء علومی که هر روز در حال تغییر و تبدیل است بررسی کرده و مثلاً تنها فائده روزه را صحت مزاج یا فائده غسل و وضوء را شستشوی بدن بداند که قهراً در تغییر اکتشافات و نظریه های علمی دچار تردید و ابهام می شویم.

متأسفانه مسلمانان امروز یا بکلی از این دستورات دور افتاده و یا بقدری از میزان واقعی آن منحرف شده اند که هیچگونه ارتباطی بین نتایج منظوره از این دستورات و بین اعمال افرادی که در اجتماع ما بنام مسلمان دیده میشوند وجود ندارد.

يك نمونه بارز

برای اثبات این مدعی مجبوریم در هر مقاله يك یا چنديك از این دستورات را بانتهای

آن ذکر نموده و اجتماع امروز مسلمانها را با آنها سنجیده تا معلوم شود که هیچگونه رابطه بین افعال مامسلمانان با آن احکام وجود ندارد .

یکی از همین دستورات که از شاهکارهای دیانت مقدسه اسلام است موضوع حرمت ریاء و منع آن در عبادات و غیر عبادات است . ریاء باین معنی که کسی کار خوبی بکند و در این کار فقط منظورش ایجاد شخصیت اجتماعی برای خود و معرفی کردن خود در جامعه بنام مرد نیکو کار باشد .

بدون شك ؛ ریاء در عبادت عمل را باطل کرده و آنرا بی ارزش میسازد و در غیر عبادت یکی از کارهای نکوهیده است .

قرآن مجید و اخبار پیشوایان دین در اجتناب از آن تا کید زیاد فرموده و بایمانهای مختلف بی ارزش بودن عمل ریائی را از نظر شارع اسلام ثابت نموده است .

یا ایها الذین آهنا لا تبطلوا صدقاتکم بالمن والاذی کالذی ینفق ماله رثاء الناس ولا یؤمن بالله والیوم الآخر فمثله که مثل صفوان علیه تراب فاصابه و ابل فتر که صلدا لا یقدرون علی شیء مما کسبوا ؛ الله لایهری القوم الکافرین (بقره ۲۶۷)

ای اهل ایمان کارهای نیکی را که در راه خدا انجام میدید بامنت گذاردن و آزار بردن باطل نکنید زیرا عمل کسیکه مالش را بخاطر ریاء انفاق میکند و ایمان بخدا و آخرت را در نظر نمیگیرد چون عمل شخصی است که بر روی سنگ صافی ، خاک نرمی باشد و باران درشت قطره بر او بیارد و تمام آن خاکها از بین برود و کسی نمیتواند از آن بهره مند شود و خداوند قومی را که کافرند هدایت نمیکند (یعنی چنانچه بعد از آمدن باران در آن مثال چیزی دستگیر صاحب آن خاک نمیشود همینطور هم عمل شخص ریاکار برای صاحبش از نظر اسلام ارزشی نداشته و ریاء ، آن عمل را نابود میکند) در اخبار پیشوایان ما این موضوع زیاد تاکید شده و حتی در بعضی از آنها شخص ریاکار را دشمن خدا و در برخی او را مشرک شمرده است (۱) .

نقش ریاء در جامعه

اغلب دانشمندان علم الاجتماع معتقدند که ازدیاد مفاسد اجتماعی و از بین رفتن فضائل و مکارم اخلاقی نقش مهمی در سقوط و اضمحلال اقوام و ملل بعده داشته همچنین ترقی و پیشرفت برخی از ملل در گرو یک سلسله محاسن اخلاقی و فضائل اجتماعی آنان بوده است

(۱) خبر ۳ و ۱۲ و ۱۴ و ۱۷ باپ ۱۱ و خبر ۲ و ۴ باپ ۱۲ ابواب وجوب عبادات

وسائل الشیعه .

چنانچه مطالعه صفحات تاریخی که علت و سبب سقوط و یارشد اجتماعی و روی کار آمدن ملل و اقوام را ضبط کرده بمانشان میدهد که مقدمات انهدام و نابودی ملل بزرگه از شیوع و شدت مفاسد اخلاقی در میان افراد آنان شروع شده و دنبال فاسد شدن اشخاص کم کم تعداد شخصیت های اجتماعی رو بنقصان نهاده بدیبهی است وقتی وجود اینگونه افراد در جامعه کم شد محور جامعه اذ دست گردانندگان آن بیرون رفته و هیچگونه حافظی برای استقلال آن ملت و طائفه باقی نمانده چاره جز سقوط و نتیجه جز زوال و نابودی ندارند درست در مقابل وقتی افراد لایق و شایسته در جامعه زیاد شد زمینه برای رشد ملی و آقائی آن جمعیت آماده تر شده هر آن بهدفع مقصود نزدیک تر میشوند .

اینک باید دید که شارع مقدس اسلام با تشریح یک حکم بعنوان قبیح و منع ریاء چگونه افراد جامعه را بسوی فضائلی چند از اخلاق سوق داده است .

تحدید غرائز فطری بر پایه کمال انسانیت

همه میدانیم که افعال و اعمال نوع بشر اغلب بغاظر استرضای غرائز فطری انجام میگردد همین غرائز است که زندگانی را با تمام شدائد و مشکلاتی که دارد برای انسان لذت بخش و دلپذیر کرده و تلاش شبانه روزی را کاری آسان و معمولی جلوه میدهد و همین ارضای غرائز است که گاهی بشر را از حدود انسانیت بیرون کشیده و حتی حاضر است برای رسیدن بمقصود خود بیجنایات و کارهای خطرناکی دست بزند . از این رو دیانت مقدسه اسلام که مجموعه احکام و قوانینش را میتوان (تحدید غرائز فطری بر پایه کمال انسانیت) نامید گاهی شرائط و مقرراتی برای احکام خود قرار داده که بمنزله محکم ترین سد کنترل غرائز است چنانکه تأمل در اطراف (منع ریاء) که یکی از شرائط همه عبادات و اغلب اعمال شبانه روزی مسلمانان است ما را باین نتیجه میرساند که پیشوای گرامی اسلام در منع و نکوهش ریاء صفات برجسته ای را در بین افراد زنده کرده و از اشاعه صفات مذمومه (خودخواهی - حب شهرت، نفاق، و دودلی) جلوگیری نموده است .

دو نکته مهم

نکته مهم و قابل توجهی که در تشریح این حکم بکار برده اینست که اجتناب از ریاکاری و مراعاتی بودن افراد جامعه را خود بخود و بدون اینکه شخص متوجه باشد واجد صفات برجسته ای از قبیل علاقه بفضائل ؛ و استغناء طبع ، مینماید و این در جای خود ثابت شده است که بهترین راه برای تغییر صفات و اخلاق جامعه همان تغییر ریشه های آن صفات و تمویض محیطی است که سبب ایجاد آنها شده بدون آنکه با اخلاق ظاهری جامعه مبارزه کرده و

عواطف آنها را جریحه دار نماید و این خود حاکی از الهامات غیبی شارع و مقنن آن احکام و فوق العاده بودن این دستورات و ترجیح آن بر سایر قوانین اخلاقی بشر است .
نکته جالب تر آنکه اغلب صفات مذکورہ کہ در اثر اجتناب از ریاکاری پیدا میشود از صفاتی است کہ بوسیله (زن)ها (۱) قابل انتقال بوارث بوده و قهرآدوری از یک صفت برای تزکیه اخلاقی یک فامیل مفید و مؤثر است .

رابطه ریا و صفات مذکورہ

اگرچه بحث در اطراف این موضوع و تحقیق اینکه چگونه ترک ریا موجب ایجاد صفات مذکورہ میشود از عہدہ این مقالہ بیرونست ولی مجبوریم بنحو اجمال اشاره کنیم کہ چه رابطه بین ترک ریا و بین ایجاد آن صفات موجود است :

شکی نیست کہ حب شهرت از غرائزی است کہ شاید از همان آغاز طفولیت در انسان بفعالیت افتاده و دنبال آن مفاسدی دامن گیر نوع انسان میشود مثلاً یک بچہ مسلمان و شاید تمام اطفال قبل از بلوغ اگر در خانہ ای زندگی کنند کہ پدر و مادرشان اهل نماز و روزه باشند علاقہ ای کہ نسبت بروزہ گرفتن نشان میدهند برای این است کہ در میان فامیل صحبت و گفتگو شود کہ فلان طفل امروز را تا غروب روزه گرفت و حتی با اینکه نماز خواندن برای اطفال از روزه گرفتن آسان تر است ولی روی همین حساب در روزه گرفتن علاقہ بیشتری نشان میدهند زیرا وقت آن طولانی تر بوده و قهرآمدت بیشتری مورد توصیف و تمجید خانوادہ و فامیل واقع میشوند .

و همین طور در تمام مراحل کہ تشویق و ترغیب مؤثر است ہمہ از یک غریزہ سرچشمہ گرفته و بطور خلاصہ بعنوان حب شهرت در جامعہ انسانی پیدا شدہ است و مفاسدی را برای ہمیشہ بخاطر مشہور شدن و ارضای این غریزہ در جامعہ ایجاد کردہ است .

لذا شارع مقدس اسلام در عین حال کہ بنحو جداگانہ از خصوص این صفات مذمومہ منع فرمودہ ولی برای نابود کردن منشأ فساد و جلوگیری از انحراف اخلاقی یکی از شرائط اصلی عبادات و افعالی را کہ در ہر شبانہ روزی انجام میدهند اخلاص و اجتناب از این صفت رذیلہ قرار دادہ است .

بدیہی است ہر گاہ مسلمانان از آغاز بلوغ کار ہا را برای خدا و بخاطر خود کار انجام دهند کم کم بصورت یک صفت ثابت درمیآید و بالاخرہ صفت ریا از همان اوائل رشد کہ اطفال مسلمان مشغول تمرین عبادات و یاد گرفتن آداب اسلامی هستند از میان آنها ریشہ کن شدہ و بالتبعیجہ افراد جامعہ فضائل اخلاقی را بخاطر ارزش ذاتی و فضیلت بجا آوردہ و توقعی از توصیف و تمجید دیگران نداشتہ و متعاقب آن صفات علاقہ بارزش ذاتی فضائل و استغناء طبع در آنها زندہ شدہ و حب شهرت ، خودخواہی ، دورویی از بین رفتہ مقدمات رشد حقیقی جامعہ فراہم میشود .

(۱) عاملی کہ سبب انتقال بعض صفات اجداد و آباء باولاد است .